



حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها

برای دیگر کاربردها، [فاطمه \(ابهام‌زدایی\)](#) را ببینید.
برای مقالات مرتبط، [فاطمه](#) را ببینید.

حضرت فاطمه سلام الله علیها، [دختر پیامبر اکرم \(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم\)](#) و محبوب‌ترین فرد نزد رسول خدا بود. ایشان [معصوم](#) سوم و یکی از پنج بانوی قدسی [جهان](#) به شمار می‌رود. مشهورترین [لقب](#) آن حضرت «[زهرا](#)» است. [کنیه](#) ایشان [ام‌ابیها](#) بوده همچنین آن حضرت، دختر معصوم، [همسر](#) معصوم و [مادر](#) معصوم نیز هست. و سرانجام [رحلت پیر](#) بزرگوار، مظلومیت همسر، از دست رفتن [حق](#)، [روح](#) و [جسم فاطمه](#) را سخت آزد و به [شهادت](#) رسید. بنابر [وصیت](#) خویش شبانه و به صورت پنهانی [دفن](#) گردید. به طوری که محل [قبر](#) شریفش نیز نامعلوم است.

فهرست مندرجات

۱- ولادت حضرت زهرا

۲- اسامی و القاب حضرت زهرا

۲.۱- روایت در باب اسامی و القاب

۲.۲- نام‌های آسمانی حضرت

۲.۳- لقب‌ها و کنیه‌های حضرت

۲.۳.۱- ام الائمه

۲.۳.۲- ام ابیها

۲.۳.۳- ام‌الحسن و ام‌الحسین

۲.۳.۴- ام‌المحسن

۲.۳.۵- بتول

۲.۳.۶- حائیه و الحره

۲.۳.۷- حصان

۲.۳.۸- حورای انسیه

۲.۳.۹- راضیه

۲.۳.۱۰- زکیه

۲.۳.۱۱- زهرا

۲.۳.۱۲- سماویه

۲.۳.۱۳- سیده نساء العالمین

۲.۳.۱۴- صدیقه کبری

۲.۳.۱۵- طاهره

۲.۳.۱۶- عذرا

۲.۳.۱۷- فاطمه

۲.۳.۱۸- میار که

۲.۳.۱۹- محدثه

۲.۳.۲۰- مرضیه

۲.۳.۲۱- مریم کبری

۲.۳.۲۲- منصوره

۲.۳.۲۳- نوریه

۳- فضائل حضرت زهرا

۴- حجاب از دیدگاه حضرت زهرا

۴.۱- حجاب حضرت زهرا

۵- حقیقت زن از نظر حضرت زهرا

۶- ازدواج حضرت زهرا

۷- شروع زنگی علی و فاطمه

۸- اولاد حضرت زهرا

۹- حضرت زهرا در صحنه‌های مختلف

۱۰- داستان غم‌انگیز فک

۱۱- دفاع از ولایت حضرت زهرا

۱۲- تسبیحات حضرت زهرا

۱۳- شهادت حضرت زهرا

۱۳.۱- دفن حضرت زهرا

۱۴- وصیت‌های حضرت زهرا

۱۵- زیارت حضرت زهرا

۱۶- یانویس

۱۷- منبع

۱- ولادت حضرت زهرا

در مورد تاریخ ولادت آن حضرت در بین سیره نویسان اختلاف وجود دارد. تاریخ ولادت آن حضرت در بیشتر منابع اهل سنت ۵ سال پیش از بعثت و در زمانی که قریش مشغول مرمت خانه کعبه بودند، ذکر شده است؛

[۱] ابن سعد، محمد بن عمر، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۶.

[۲] ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت دار الکتب، ج ۱، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۶۳.

ولی در بیشتر منابع شیعی، سال ولادت ایشان ۵ سال پس از بعثت ذکر شده است.

[۳] امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، ۱۴۰۳ه.ق، ج ۱، ص ۳۰۲.

شیخ طوسی در «مصباح المتهدج» و اکثر علما ذکر کرده اند که ولادت آن حضرت در روز بیستم ماه جمادی الاخر بوده و گفته‌اند که در روز جمعه سال دؤم از بعثت بوده و بعضی سال پنجم از بعثت گفته‌اند.

[۴] شیخ طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهدج شیخ طوسی، بیروت، علمی، ص ۵۵۱.

و علامه مجلسی (رحمه‌الله) در «حیة القلوب» فرموده که صاحب «عقد» روایت کرده است که پنج سال بعد از بعثت حضرت رسالت حضرت فاطمه (علیها السلام) از حضرت خدیجه متولد شد.

۲- اسامی و القاب حضرت زهرا

نامگذاری نوزاد تنها رسمی دیرینه در میان بشر نیست، از سنت‌های خدایی است که با **آفرینش** نخستین آفریده، همراه بوده است. «آدم» و «حواء» اولین نام‌های بشری است. بعد از آن نیز لازم‌ترین و مهمترین چیزهایی که به آدمی آموخته شد اسم‌هایی چند بود. و علم آدم الاسماء (پرورنگار به آدم اسم‌هایی آموخت). **۱۵۱** بقره/سوره ۲، آیه ۳۱.

پس از آن، بشر برای برقراری روابط خود هیچ راهی جز نامگذاری اشخاص و اشیا نداشت. چه اینکه گفتگوها و آموختن‌هایش جز از طریق شناخت نام‌ها میسر نمی‌شد. در این میان، نامگذاری افراد آدمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و چنین معلوم می‌شود که بعضی اسم‌ها از سوی خدای متعال برای افراد نهاده شده است. از جمله نام فرزند **حضرت زکریا** است که پیش از تولد، از سوی **خداوند**، **یحیی** خوانده شد. فهب لی من لدنک...سمیا

۱۶۱ مریم/سوره ۱۹، آیه ۷-۵. [زکریا گفت]: پرورنگار، برایم یاور و جانشینی قرار ده که از من و **آل یعقوب ارب** برد و او را مورد رضایت خویش گردان. (خدای متعال به وی فرمود): تو را به داشتن فرزندی به نام **یحیی** **بشارت** می‌دهیم که قبل از او کسی را به این نام نهاده بودیم. **۱۷۱** مریم/سوره ۱۹، آیه ۷-۵.

۲.۱ - روایت در باب اسامی و القاب

این **بابویه** به سند معتبر از **یونس بن ظبیران** روایت کرده است که **حضرت صادق (علیه‌السلام)** فرموده که فاطمه (علیها‌السلام) را **نُه** نام است نزد **حق تعالی**: فاطمه (علیها‌السلام) و **صدیقه** و **مبارکه** و **طاهره** و **زکیه** و **راضیه** و **مرضیه** و **محدثه** و **زهراء**. پس حضرت فرمود که آیا می‌دانی که چیست تفسیر فاطمه؟ یونس گفت، گفتیم: خبر ده مرا از معنی آن ای سید من؛ حضرت فرمود: **فَطِمْتُ مِنَ الشَّرِّ**؛ یعنی بریده شده است از بدیها، پس حضرت فرمود که اگر **امیر المؤمنین (علیه‌السلام)** **تزویح** نمی‌نمود او را، کفوی و نظیری نبود او را بر روی **زمین** تا روز قیامت نه **آدم** و نه آنها که بعد از او بودند. **۱۸۱** شیخ صدوق، **مجدد بن علی، الخصال، باب التسعة، حدیث سوم، ج ۱، ص ۴۱۴**.

علامه مجلسی (رحمه‌الله) در ذیل ترجمه این **حدیث** فرموده که «صدیقه» به معنی **معصومه** است، و «مبارکه» یعنی صاحب **برکت** در **علم** و **فضل** و کمالات و معجزات و اولاد کرام و «طاهره» یعنی پاکیزه از **صفات نقص** و «زکیه» یعنی نمو کننده در کمالات و خیرات و «راضیه» یعنی راضی به قضای حق تعالی و «مرضیه» یعنی پسندیده **خدا** و دوستن خدا و «محدثه» یعنی **ملک** با او سخن می‌گفت و «زهراء» یعنی نورانی به نور صوری و معنوی. این حدیث شریف دلالت می‌کند بر اینکه امیر المؤمنین (علیه‌السلام) از جمیع **پیغمبران** و **اوصیای** ایشان به غیر از **پیغمبر آخر الزمان** افضل می‌باشد بلکه بعضی استدلال بر افضلیت فاطمه زهرا ((علیها‌السلام)) بر ایشان نیز کرده اند.

۱۹۱ مجلسی، **مجدد بن علی، جلاء العیون، چپ سرور، قم، ص ۱۶۲**.
و در **حدیث متواتره** از طریق **خاصه** و **عامه** روایت شده است که آن حضرت را برای این فاطمه نامیده‌اند که حق تعالی او را و **شیعیان** او را از **آتش جهنم** بریده است. **۲۰۱** مجلسی، **مجدد بن علی، جلاء العیون، چپ سرور، قم، ص ۱۶۵**.
۲۱۱ فیروز آبادی، سید رضا، فضائل پنج تن، ج ۴، ص ۹.
روایت شده که از حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پرسیدند که به چه سبب فاطمه را بتول می‌نامی؟ فرمود: برای آنکه خونی که ز نان دیگر می‌بینند او نمی‌بیند، دین خون در دختران پیغمبران ناخوش است.

۲۲۱ معانی الاخبار شیخ صدوق، ص ۶۴.

۲۳۱ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۴۹.

پس آن حضرت دارای القاب فراوانی مانند: «زهرا»، «صدیقه»، «طاهره»، «بتول»، «زکیه»، «راضیه»، «مرضیه» و غیره می‌باشد. مشهورترین لقب حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیهم)، زهرا می‌باشد.

۲۴۱ شهیدی، سید جعفر، زنگانی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیهم)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴۶، ۱۳۸۶، ص ۳۳.

زهرا در **لغت** به معنی درخشنده و روشن می‌باشد.

۲۵۱ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، معنای کلمه زهرا.

۲.۲ - نام‌های آسمانی حضرت

این در حالی است که برای بانو **حضرت صدیقه طاهره (سلام‌الله‌علیها)** نام‌ها و القابی است که برخی آسمانی‌اند و از سوی آفریدگار تعیین شده و بعضی از سوی برگزیدگان الهی. اما نام‌های آسمانی نه اسم است که در **حدیث** ذیل آمده است.

امام جعفر صادق (علیه‌السلام) فرمود: برای فاطمه (سلام‌الله‌علیها) نزد خدای (عزوجل) نه اسم است: «فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه، زهرا»

۲۶۱ صدوق، **مجدد بن علی، امالی صدوق، ص ۶۸۸**.

۲۷۱ صدوق، **مجدد بن علی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۸، ج ۳**.

۲۸۱ صدوق، **مجدد بن علی، خصال، ص ۴۱۴**.

۲۹۱ طبری، **مجدد بن جریر، دلائل الاممه، ص ۷۹-۸۰**.

۳۰۱ مجلسی، **سیدمجدد بن علی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰، ج ۱**.

آنچه این نام‌ها را برای حضرت **فضیلت** قرار داده اینک نام‌های حضرتش حاکی از صفتی و الاست که در وی وجود داشته است و چون نام‌های دیگر افراد نیست که صاحب نام از معنی نام خود هیچ بهره‌ای نبرده باشد.

۲.۳ - لقب‌ها و کنیه‌های حضرت

ما در ذیل، نام‌ها، لقب‌ها و کنیه‌های آن حضرت را به ترتیب حروف الفبا یاد می‌کنیم.

(مادر امامان):

به موجب روایات نقل شده از سوی اهل تسنن و شیعه، نسل پاک پیامبر به وسیله دخترش به وجود آمده و گسترش یافته است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده است: پروردگار عزیز و بلند مرتبه نسل هر پیامبر را در صلب خود آن پیامبر قرار داد، حال آنکه نسل مرا در صلب علی جای قرار داد.

آن حضرت چندین بار به دختر عزیزش فرمود: ای فاطمه، تو را بشارت می‌دهم که از نسل تو یازده فرزند معصوم، امام مردم خواهد شد و آخرین آنها مهدی (علیه السلام) است.

۲.۳.۲ - ام ابیها

ام ابیها

یعنی: مادر (و دلسوز) پدرش.

کنیه‌ای است که پدر بزرگوارش حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) وی را بدان خواند. چه اینکه پیامبر در خردسالی مادر را از دست داد و سراسر عمر عزیزش را بسختی گذراند و تا قبل از ازدواج با بانو خدیجه و حتی پس از آن، پیوسته مورد آزار مشرکان بود، یا در جنگ‌ها به این سو و آن سو می‌رفت و دشواری تحمل می‌کرد. در این همه پس از تولد دختر عزیزش فاطمه، با اینکه وی کودکی بیش نبود همواره چون پروانه به گرد شمع، از پدر جدا نمی‌شد و در رفع اندوه او آنچه می‌توانست می‌کوشید و از پدر دلجویی می‌کرد. اگر آن بزرگوار در جنگی آسیب می‌دید فاطمه خردسالتش بود که بر زخم و رنج پدر مرهم می‌نهاد و بر آرامش و سلامت جانش اصرار داشت. چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) دلسوزی وی را می‌دید اشک می‌ریخت و می‌فرمود: او مادر پدرش است.

«ام» به معنی مادر و اصل و ریشه است و در حقیقت آن بانو را باید مادر نبوت دانست.

ام ابیها بود آن خوش خصال چونکه بود بانوی کاخ جلال (حیدر تهرانی)

این کنیه را شیعه و سنی نقل کرده

و در معنای آن وجوهی بیان نموده‌اند. در میان معانی آن شاید بهترین وجه این باشد که: «ام» در لغت به معنی مقصود و هدف نیز آمده است و چون فاطمه ثمره درخت نبوت و حاصل عمر حضرت ختمی مرتبت بود او را ام ابیها گفتند. او بود که مقصود حقیقی و هدف و ثمره واقعی زندگانی پیغمبر بود و فرزندی شناخته می‌شد که پیامبر می‌خواست.

۲.۳.۳ - ام الحسن و ام الحسین

ام الحسن. ام الحسین

(مادر حسن (علیه السلام). مادر حسین (علیه السلام))

امام مجتبی (علیه السلام) نخستین فرزند حضرت زهرا (سلام الله علیها) است که در پانزدهم رمضان سال سوم هجرت (در حالی که مادرش دوازده ساله بود) در مدینه به دنیا آمد. ای فاطمه، تو را بشارت می‌دهم که از نسل تو یازده فرزند معصوم، امام مردم خواهد شد و آخرین آنها مهدی (علیه السلام) است. پس از شش ماه و اندی از این تاریخ، وجود مقدس حسین (علیه السلام) در سوم شعبان سال چهارم هجری به دنیا آمد.

۲.۳.۴ - ام المحسن

ام المحسن

(مادر محسن (علیه السلام))

آن حضرت را پنج فرزند بود: حسن (علیه السلام)، حسین (علیه السلام)، زینب ۳، ام کلثوم (علیها السلام) و محسن (علیه السلام). محسن آخرین فرزند آن بانو و اولین شهید اهل بیت: پس از پیامبر بود که در ماه آخر حمل، در رحم کشته و سقط شد.

۲.۳.۵ - بتول

(بتول یعنی جدا و ممتاز از دیگران، یا آن که حیض نبیند)

این اثیر در نهایت می‌نویسد: فاطمه را بتول نامیدند زیرا از زنان زمان خویش [و زمان‌های قبل و بعد خود] از نظر فضیلت و دین و حسب جدا و ممتاز بود. یا آنکه از دنیا منقطع گشته و به خدای تعالی روی آورده بود.

از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) پرسیده شد به چه کسی بتول گویند؟ فرمود: آن که سرخی (حیض و...) نبیند. بدرستی که حیض برای دختران پیامبران ناپسند است.

[۱۷۷] این شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۱۰.

[۱۷۸] مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.

[۱۷۹] صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، ص ۱۸۱.

۲.۳.۶ - حاتیه و الحرة

حاتیه

[۱۸۰] مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷.

(آن که به شوهر و فرزندان بسیار مهربان است.)

الحرة

[۱۸۱] مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.

(بانوی آزاد)

ون فاطمه ثمره درخت نبوت و حاصل عمر حضرت ختمی مرتبت بود او را ام اییها گفتند.

۲.۳.۷ - حسان

(پارسا و عقیق)

[۱۸۲] این شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۳.

[۱۸۳] بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۶، ص ۲۴.

۲.۳.۸ - حورای انسیه

حورا/حورای انسیه (انسانی زمینی که از حورین بهشتی است.) [حوریهای شبیه آمی] در یکی از معراجهای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به آسمان، آن حضرت از میوه‌ها و از خرما تازه و سیب بهشتی تناول کرد و خداوند متعال آن غذاهای بهشتی را در صلب پیامبر قرار داد و هنگامی که ایشان از معراج به زمین بازگشت با حضرت خدیجه همبستر شد و بدین ترتیب حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در رحم حضرت خدیجه قرار گرفت. بدین سبب حضرت فاطمه (سلام الله علیها) «حورای انسیه» نام گرفت.

[۱۸۴] فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ص ۷۶.

[۱۸۵] مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸.

۲.۳.۹ - راضیه

راضیه

[۱۸۶] مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.

(کسی که به تقدیر و قوانین الهی خشنود بود.)

این صفت از والاترین درجات ایمان است و آن حضرت در تمام مراحل زندگی به آنچه که از سوی خدای عزیز (از ترس و آزار در راه دین و ظلم و اندوه و غم) برایش مقدر شده بود رضایت داشت و هیچ گاه از وضع خود گله نکرد تا آنکه این آیه شریف از آن صفت وی یاد کرد: یا ایها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه. ای دارنده روان قدسی مطمئن، به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که تو از او راضی و خدا نیز از تو خشنود است.

[۱۸۷] فجر/سوره ۸۹، آیه ۲۷-۲۸.

۲.۳.۱۰ - زکیه

زکیه از دیگر نامهای حضرت است که به معنی پاک و پاکدامن یا وجود پربرکت است.

قرآن هر یک از این معانی را در سه آیه مختلف بیان فرموده است. در جایی از پاکدامنی و مقام عصمت حضرت عیسی (علیه السلام) چنین یاد می‌کند: قال انما انا رسول ربک لاهب لک غلاما زکیا

[۱۸۸] مریم/سوره ۱۹، آیه ۱۹.

. یعنی جبرئیل به مریم گفت من فرستاده پروردگار توام تا از جانب او پسری پاکیزه به تو بخشم. در آیه دیگر آمده است: فانطلقا حتی اذا لقیا غلاما فقتله قال اقتلت نفسا زکیه بغير نفس.

[۱۸۹] کهف/سوره ۱۸، آیه ۷۵.

یعنی چون خضر آن پسر را کشت موسی گفت آیا جوانی پاکیزه و بی گناه را بی آنکه کسی را کشته باشد، کشتی؟ در جایی دیگر می‌فرماید: قد افلح من زکها

[۱۹۰] شمس/سوره ۹۱، آیه ۱۰.

. یعنی رستگار شد هر که روان خود را پاک ساخت.

در حقیقت زکیه به بانویی گویند که از همه ناپاکی‌های اخلاقی دور باشد و هرگز در وجودش هیچ صفت بد یافت نشود.

۲.۳.۱۱ - زهرا

زهر (درخشان، نورانی و درخشنده)
«زهر» به معنی روشنی و درخشندگی است. **امام عسکری (علیه السلام)** فرموده است: اینکه **فاطمه (سلام الله علیها)** را زهر نامیدند بدان علت بود که هر روز سه بار آن بانوی بزرگوار برای **علی (علیه السلام)** می‌درخشید.
امام صادق (علیه السلام) فرموده است: علت آنکه ایشان را زهر نامیدند آن است که به او بارگاهی از باقوت سرخ در **بهشت** رحمت خواهد شد که اهل بهشت آن بارگاه را به بلندی و عظمتی که دارد مانند ستارهای درخشان که در آسمانست خواهند دید و به یکدیگر می‌گویند این بارگاه درخشنده از آن فاطمه (سلام الله علیها) است.
از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند چرا فاطمه را زهر نامیدند؟ فرمود: زیرا فاطمه چنان بود که چون در محراب می‌ایستاد نوری از او برای اهل آسمان درخشش می‌کرد همان طور که ستارگان برای اهل زمین درخشش دارند.

۲.۳.۱۲ - سماویه

سماویه

[۵۱] مجلسی، **سیدمذبحقر، بحار الانوار**، ج ۴۳، ص ۱۷.

[۵۲] این شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۳.

(گران بها گوهری آسمانی)

۲.۳.۱۳ - سیده نساء العالمین

سیده/سیده نساء العالمین (بزرگ بانوی جهانین)

[۵۳] **صدوق، محمد بن علی، امالی صدوق**، ص ۵۷۵.

[۵۴] مجلسی، **سیدمذبحقر، بحار الانوار**، ج ۴۳، ص ۲۲.

شیخ صدوق در کتاب **امالی حدیثی** را از **حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)** چنین نقل کرده که فرمود: ابنتی فاطمه سیده نساء العالمین. یعنی دخترم فاطمه بزرگ بانوی زنان جهانین است.

[۵۵] **صدوق، محمد بن علی، امالی صدوق**، ص ۵۷۵.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به دخترش فرمود: ای فاطمه، بدرستی که خداوند تو را بر همه **زنان جهان** و بر همه **زنان اسلام** که بهترین **دین** است برگزید.

[۵۶] بحرانی اصفهانی، عبدالله، **عالم العلوم**، ج ۶، ص ۴۶.

چون رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از نزدیک بودن وفات خود از طریق **وحی** با اطلاع شد دخترش فاطمه را از این موضوع آگاه ساخت و آن بانو گریست. در این حال رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به وی فرمود: تو اولین کسی از خانواده‌ام هستی که به من خواهی پیوست. آیا دوست نداری که ارجمندترین زنان بهشت باشی!

۲.۳.۱۴ - صدیقه کبری

صدیقه/صدیقه کبری: «صدیقه» یعنی کسی که در **راستگویی** کامل است. یا آن که هرگز **دروغ** نگفته است. یا کسی که سخن خود را با عمل خویش تصدیق می‌کند.

[۵۷] ابن منظور، **محمد بن مکرم، لسان العرب**.

[۵۸] **زبیدی، مرتضی، تاج العروس**.

فاطمه چنان بود که چون در **محراب** می‌ایستاد نوری از او برای اهل آسمان درخشش می‌کرد همان طور که ستارگان برای اهل زمین درخشش دارند.
مرتبه صدیقین در ردیف **پیامبران** و **شهیدان** است. این مطلب را **آیات** بسیاری روشن می‌کنند که از آن جمله‌اند: و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً.
[۵۹] **نساء/سوره ۴، آیه ۶۸**.

مریم (سلام الله علیها) را از این نظر صدیقه می‌گفتند که **آیات الهی** را با گفتار و عملش تصدیق می‌کرد و آنچه که پروردگار درباره فرزندش به وی خبر داد کاملاً پذیرفت. در تایید این سخن حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) اینچنین رسیده است که به **علی (علیه السلام)** فرمود: «سه چیز به تو داده شده که به هیچ کس حتی به من داده نشده است:

۱. تو داماد کسی مانند رسول خدا هستی و من داماد کسی نیستم که پدر زنم مانند پدر زن تو باشد.

۲. همسری صدیقه مانند دختر من به تو داده شده که من چنین همسری ندارم.

۳. به تو فرزندانمانی مانند **حسن** و **حسین** عنایت شد. در حالی که من فرزندانمانی مانند آنان ندارم. ولی با این حال شما از من هستید و من از شما».

مفضل بن عمر گوید از **امام صادق (علیه السلام)** سؤال کرد: چه کسی فاطمه را **غسل** داد؟ فرمود: **امیر المؤمنین**. این مطلب بر من سنگین آمد. فرمود: مثل اینکه این مطلب بر تو گران آمد! عرض کردم آری، فدایت شوم. فرمود: قبول این مطلب بر تو دشوار نیاید زیرا که جدهام فاطمه زهرا صدیقه بود و کسی جز صدیق را نرسد که صدیقه را غسل دهد. آیا نمی‌دانستی که مریم را جز عیسی هیچ کسی غسل نداد!

اهل تسنن از **عائشه** روایتی را چنین نقل کرده‌اند: ما رایت احدا اصدق من فاطمه (سلام الله علیها) غیر ابیها: پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) هرگز کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم.

[۶۰] **حاکم نیشابوری، احمد، مستدرک حاکم**، ج ۳، ص ۱۷۴.

[۶۱] **احمد بن عبدالله، ابو نعیم، حلیة الاولیاء**، ج ۲، ص ۴۱.

۲.۳.۱۵ - طاهره

طاهره (به معنی پاکیزه، بی عیب، پاک و معصوم)

در حقیقت آیه شریفی که در پاکیزه دانستن **اهل بیت** نازل شده است این نام را برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) ثابت می‌کند. خدای تعالی در **سوره احزاب** (آیه ۳۳) می‌فرماید: «انما

برید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» یعنی خداوند چنین می‌خواهد که پلیدی هر آلائش را از شما خاندان نبوت ببرد و از هر عیب پاکتان گرداند.
[\[۴۱\] اجزای/سوره ۳۳، آیه ۳۳.](#)

در این مطلب مفسران و محدثان شیعه و سنی به گونه‌های انبوه روایاتی نکر کرده‌اند که به مفاد آنها معنی اهل بیت هر چه باشد صدیقه طاهره را شامل می‌شود.
[\[۴۲\] خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۱.](#)
[\[۴۳\] زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۱۹۳.](#)
[\[۴۴\] ابن اثیر، علی بن محمد، اسدالغابه، ج ۲، ص ۱۲.](#)
[\[۴۵\] سبط ابن جوزی، یوسف، تنکرة الائمة، ص ۲۴۴.](#)
[\[۴۶\] سیوطی، جلال‌الدین، درالمنثور، ج ۵، ص ۱۹۸.](#)
[\[۴۷\] سیوطی، جلال‌الدین، خصائص الکبری، ج ۲، ص ۲۶۴.](#)

آنچه از کتب لغت و تصریح روایت و گفتار مفسران بر می‌آید این است که نتیجه دور بودن «رجس» از اهل بیت همان دارا بودن **مقام عصمت** است. در حقیقت نام طاهره با توجه به آیه مورد نظر تایید عصمت آن بانوست و آنکه آن حضرت حتی پس از رحلت، طاهر خواهد بود و پیکر مطهرش نه در زمان حیات و نه پس از مرگ همچون دیگر مردم نجس نخواهد شد و لمس پیکر پاکش غسل ندارد، چنانکه در روایتی بدین موضوع تصریح شده است. روایت چنین است: مردی به نام **حسن بن عمیر** می‌گوید: به امام صادق (علیه‌السلام) گفتم: آیا امیرالمؤمنین پس از غسل دادن رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) غسل کرد؟ فرمود: با وجود آنکه نبی اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) مطهر بود، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) غسل انجام داد تا این امر **سنت** گردد. (منظور آنکه سنت غسل کردن پس از مس میت ترک نشود).
[\[۴۸\] حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱.](#)

والاثرین حدیث در مقام طهارت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) **حدیث شریف کساء** است که شیعه و سنی با دهها سند صحت آن را تایید کرده‌اند. (در باره اسناد حدیث شریف کساء، کتب جداگانه موجود است.) بر پایه این حدیث، زمانی **رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)** به خانه دخترش **فاطمه (سلام‌الله‌علیها)** آمد و خود را در چیزی شبیه **عبا** پیچید. زمانی بعد امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) و پس از وی **حضرت مجتبی (علیه‌السلام)** و **حسین (علیه‌السلام)** نزد حضرتش رفتند و آنگاه فاطمه (سلام‌الله‌علیها) به پیش ایشان رفت. در همین هنگام بود که **آیه تطهیر** (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت...)
[\[۴۹\] اجزای/سوره ۳۳، آیه ۳۳.](#)

نازل شد.
ای فاطمه، بدرستی که خداوند تو را بر همه زنان جهان و بر همه زنان **اسلام** که بهترین **دین** است برگزید.

۲.۳.۱۶ - عزرا

عزرا (یعنی آن بانو پیوسته همچون دوشیزگان بود.) از فرموده رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) که آن بانو را حوری‌های به صورت **انسان** معرفی کرده است بر می‌آید که آن حضرت همچون **حورین بهشت** پیوسته **دوشیزه** باقی خواهد ماند. چه آن که حضرتش از طعام بهشتی آفریده شد. از **امام صادق (علیه‌السلام)** در این باره پرسش شد که چگونه حوری بهشتی هر زمان که همسرش نزد وی می‌رود او را دوشیزه می‌یابد؟ فرمود: چون او از ماده‌ای پاک آفریده شده و هیچ گونه فسادى به جسم وی راه نمی‌یابد و بدنش دچار آفتی نمی‌گردد...
[\[۵۰\] قرینی، محمدکظم، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت \(ترجمه\)، ص ۱۲.](#)

۲.۳.۱۷ - فاطمه

فاطمه: یعنی آن که خود و شیعیانش از **آتش** بازداشته (و در امان نگاه داشته) شده‌اند. یا به معنی آن که **شیر** و بدی در وجود او راهی ندارد. و به معنی آن که از طفولیت با **علم** رشد یافته است.
شیخ صدوق در علل الشرایع و علامه مجلسی در بحار الانوار از امام باقر (علیه‌السلام) روایت کرده‌اند که فرمود: چون فاطمه (سلام‌الله‌علیها) متولد شد خدای (عزوجل) به یکی از **فرشتگان وحی** فرمود که به **زمین** برو و این نام را بر زبان **پیغمبر** جاری سازد و بدین ترتیب **رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم)** نام فاطمه (سلام‌الله‌علیها) را برای نوزاد انتخاب فرمود.
[\[۵۱\] مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳.](#)

«فطم» یعنی طفل از شیر گرفته شد.
در حدیثی از امام باقر (علیه‌السلام) چنین رسیده است که خدای متعال پس از تولد فاطمه (سلام‌الله‌علیها) به وی خطاب فرموده که «انی فطمتک بالعلم و فطمتک عن الطمث» من تو را به وسیله علم از شیر گرفتم و از پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها دور داشتم. گویی چنانکه طفل را پس از بازداشتن از شیر به غذایی دیگر عانت می‌دهند آن حضرت از زمان شیرخوارگی نخستین غذایش پس از شیر، علم بوده و به وسیله علم از شیر گرفته شده است.
[\[۵۲\] مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳.](#)

حضرت رضا (علیه‌السلام) از پدرش و ایشان از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) نقل کرده‌اند که فرمود: ای فاطمه، آیا می‌دانی چرا فاطمه نامیده شده‌ای؟ **علی (علیه‌السلام)** پرسید چرا؟ فرمود: زیرا که وی و شیعیانش را از آتش بازداشته‌اند.
[\[۵۳\] مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸-۱۹.](#)

و در جای دیگر فرمود: زیرا آتش بر وی و شیعیانش ممنوع گردیده است.
[\[۵۴\] مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸.](#)

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) فرمود: شنیدم که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) می‌فرمود: فاطمه را فاطمه نامیده‌اند زیرا خدای تبارک و تعالی او و فرزندان را از آتش برکنار داشته است. البته آن فرزندان که با **ایمان** از دنیا بروند و بر آنچه که بر من نازل گردیده اعتقاد داشته باشند.
[\[۵۵\] مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸-۱۹.](#)

امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: او را فاطمه گفتند چون **شیر** و بدی در وجود او راهی ندارد و اگر برای همسری این بزرگوار، علی (علیه‌السلام) نبود تا **قیامت** کسی هم‌شان ایشان یافت نمی‌شد. پس از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) هرگز کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم. این **حدیث** را بسیاری از علمای عامه هم نقل کرده‌اند؛ از جمله ابن شیرویه دیلمی و **طبری** در **دلائل الاممه**.

گفتنی است که نام مقس فاطمه نزد **اهل بیت** بسیار دوست داشتنی بوده است و آنان این نام و صاحبش را پیوسته گرامی می‌داشته‌اند. «امام صادق (علیه‌السلام) از یکی از یاراناش که خدا به وی دختری عنایت فرموده بود، پرسید او را چه نام نهاده‌ای؟ گفت: فاطمه. حضرت فرمود: فاطمه! درود خدا بر فاطمه باد. پس بدان چون این نام را بر او نهاده‌ای مواظب باش سبلی بر صورتش نزن و به او بد نگویی و گرامی اش بداری.»

مردی گوید: بر **امام صادق (علیه‌السلام)** وارد شدم در حالی که افسرده بودم. حضرت پرسید: چه غمی داری؟ گفتم: دختری بر ایم به **دنیا** آمده است. فرمود: او را چه نامیده‌ای؟ گفتم: فاطمه. فرمود: آه، آه! بدان اگر او را فاطمه نام نهاده **یعنی** دشنامش مده و او را مزین. [۷۸] حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴.

۲۰۳۱۸ - مبارکه

مبارکه: از نام‌های دیگر **حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)** و به معنی وجود پربرکت است.

راغب در **مفردات** گوید: جایی که خیر الهی به صورتی که در خور نگهداری و شمارش و اندازه گیری نباشد و هر کسی به آن بنگردد فزونی محسوسی در آن ببیند گویند در آن **برکت** است و آن چیز مبارک است.

بر این اساس است که زهرا (سلام‌الله‌علیها) را مبارکه نامیدند چون به وجود آن حضرت نسل رسول خدا باقی ماند و گسترش یافت، در حالی که ایشان پس از **شهادت** بیش از دو پسر و دو دختر نداشت. علاوه بر آنکه بعد از واقعه جانگداز **کر بلا** تمام پسران **امام حسین (علیه‌السلام)** جز یک تن (**حضرت سجاد (علیه‌السلام)**) باقی نماندند و از فرزندان **حضرت مجتبی (علیه‌السلام)** هم بنا به قولی هفت تن **شهید** شدند و از **زینب کبری** نیز دو فرزند به شهادت رسیدند و **ام کلثوم** هم بدون فرزند از **دنیا** رفت. پس از واقعه کر بلا نیز جنایت‌ها و کشتارها نسبت به فرزندان پاک رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و فاطمه (سلام‌الله‌علیها) ادامه یافت. در زمان **حجاج** و **بنی عباس** کشتن **علویان** رسم شده بود. با همه اینها خدای متعال در نسل فاطمه (سلام‌الله‌علیها) برکت قرار داد و آن بزرگوار را منشا خیر کثیر گردانید. شماری از مفسران، کلمه **کوثر** در سوره انا اعطینک الکوثر [۷۹]

[۷۹] **کوثر/سوره ۱۰۸، آیه ۱.**

را همان وجود مقس فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) دانسته‌اند. **سیوطی** در کتاب **الدر المنثور** در تفسیر «کوثر»، و **بخاری** و **ابن جریر** و **حاکم نیشابوری** از **سعید بن جبیر** از **ابن عباس** نقل کرده‌اند که **کوثر** همان **خیر کثیر** است که خدا به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) عنایت فرمود. در همین روایت ابو بشیر گوید به سعید به جبیر گفتم: برخی از مردم می‌پندارند که کوثر نهری است در **بهشت**. او گفت: آن نهر هم که در بهشت است از همان خیر کثیر است که خدا به وی عطا کرده است.

شیخ طبرسی در **مجمع البیان** در تفسیر **سوره کوثر** می‌نویسد: مراد از کوثر همان زیادی نسل از فاطمه (سلام‌الله‌علیها) و اولاد رسول خداست که آنچنان فزونی یافتند که عدشان را نمی‌توان شماره کرد و این برکت تا قیامت ادامه خواهد یافت.

[۸۰] **طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۶۰.**

هم اکنون آمارها نشان می‌دهد در سراسر جهان از فرزندان فاطمه (سلام‌الله‌علیها) بیش از چهل میلیون انسان وجود دارند.

[۸۱] **قروینی، محکاطم، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت (ترجمه)، ص ۷۵ - ۸.**

هم اینجا پیشنهاد می‌شود رایانه‌های ثبت احوال از طریق واه‌های سید، سادات، بی بی، شریفه... آماری از فرزندان فاطمه (سلام‌الله‌علیها) که هم اکنون در **جمهوری اسلامی ایران** زندگی می‌کنند، جهت اثبات این حقیقت قرآنی ارائه نمایند.

۲۰۳۱۹ - محدثه

محدثه: یعنی آن که **فرشتگان** با او سخن گویند.

در اینکه آیا فرشتگان با غیر **پیامبر** هم سخن می‌گویند و از غیر پیامبر کس دیگری می‌تواند آنان را ببیند یا صدایشان را بشنود در اخبار و تفاسیر **شیعه** و **سنی** مطالبی نقل کرده‌اند. در آیه‌ای از قرآن بدین موضوع پرداخته شده است. خدای متعال در **قرآن کریم** درباره وجود مقس **حضرت مریم** می‌فرماید: او با فرشته الهی دیدار کرد و سخن گفت. در **سوره آل عمران** آیه ۴۲ آمده است که فرشتگان با مریم سخن گفتند و به وی خیر دادند که خداوند او را پاک گردانیده و بر همه زنان برتری بخشیده است.

[۸۲] **آل عمران/سوره ۳، آیه ۴۲.**

روایتی چنین نقل شده است: مردی به نام اسحاق بن جعفر گوید: از **امام صادق (علیه‌السلام)** شنیدم که فرمود: فاطمه را محدثه نامیده‌اند زیرا فرشتگان پیوسته بر او از آسمان فرود می‌آمدند و چنانکه مریم دختر عمران را ندا می‌کردند او را همسخن خویش قرار می‌دادند و به وی می‌گفتند: ای فاطمه، ان الله اصطفیک و طهرک و اصطفیک علی نساء العالمین یا مریم ائنتی لربک و اسجدی و ارکعی مع الرکعین.

[۸۳] **آل عمران/سوره ۳، آیه ۴۲ - ۴۳.**

یعنی فاطمه، خدای تعالی تو را برگزیده و پاک گرداند و بر همه زنان عالم برتری بخشید. ای فاطمه، پروردگارت را فرمانبردار باش و **سجده** کن و با رکوع کنندگان **رکوع** نما. اما اینکه فرشتگان جز این درباره چه با حضرتش سخن می‌گفتند احادیث چنین است: آنان از حواصت آینده و پادشاهانی که در **زمین حکومت** خواهند کرد و بسیاری از **احکام الهی**، برای آن بانو سخن می‌گفتند و به تقاضای حضرت، **امیر المؤمنین علی (علیه‌السلام)** آن مطالب را می‌نگاشت تا آن که کتابی بزرگ گردید و به **مصحف فاطمه (سلام‌الله‌علیها)** خوانده شد.

[۸۴] **مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۴۱.**

والاثرین حدیث در مقام طهارت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) **حدیث شریف کساء** است که شیعه و سنی با دهها سند صحت آن را تایید کرده‌اند.

امام صادق (علیه‌السلام) به **ابو بصیر** فرمود: مصحف فاطمه (سلام‌الله‌علیها) نزد ماست و مردم نمی‌دانند که این مصحف چیست آن مصحف از نظر حجم سه برابر این قرآن است حال آنکه یک کلمه از این قرآن شما در این مصحف نیست. بلکه مندرجات آن عبارت از اموری است که پروردگار بزرگ بر مادرمان زهرا (سلام‌الله‌علیها) املا و **وحی** فرمود.

[۸۵] **مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۹.**

[۸۶] **قروینی، محکاطم، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت (ترجمه)، ص ۱۱.**

۲۰۳۲۰ - مرضیه

مرضیه

آن که خداوند پیوسته از او و کردارش راضی است.

از آنجا که آن حضرت **معصوم** است و **آیه تطهیر** شامل اوست، آنچه می‌کند همان خواسته الهی است. اگر او از چیزی خرسند باشد نشان خرسندی خداست و در صورتی که نسبت به کسی یا عملی ناخرسند باشد دلیل میغوض بودن آن چیز یا کس نزد خداست.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره او فرمود: «آن که فاطمه را بیازارد مرا آزرده ساخته و کسی که مرا آزار رساند خداوند را ناخرسند و آزرده ساخته است. و این همان فرموده الهی است که: ان الذین یؤذون الله و رسوله

[۵۸] **احزاب/سوره ۳۳، آیه ۵۷.**

(کسانی که خدا و پیامبرش را بیازارند پروردگار در **دنیا** و **آخرت** آنها را **لعنت** می‌کند و از رحمت خود دور می‌سازد...))» نیز فرمود: ای فاطمه، خداوند همانا به **غضب** تو غضب می‌کند و به رضایتت خشنود می‌شود.

[۵۹] بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۶، ص ۵۲.

[۹۰] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۹۵.

[۹۱] مجلسی، سیّدیباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۳.

۲.۳.۲۱ - مریم کبری

مریم کبری

[۹۱] مجلسی، سیّدیباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.

(مریم بزرگ)

مقام وی در نزد **مسلمانان** و الاثر از مقلمی است که **حضرت مریم (سلام الله علیها)** در نزد **مسیحیان** دارد. در این باره ده‌ها روایت وجود دارد، از جمله آنکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: مریم ارجمندترین بانوی زمان خویش بود و فاطمه ارجمندترین بانوی همه زمان‌هاست.

[۹۲] بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۶، ص ۴۴-۵۱.

۲.۳.۲۲ - منصوره

منصوره (یاری شده از سوی پروردگار)

در **تفسیر فرات کوفی**، روایتی از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین نقل شده است که روزی در جمع یاران خود فرمود: می‌دانید فاطمه چگونه آفریده شده است؟ آنان گفتند خدا و رسولش به این امر داناترند. فرمود: فاطمه از **بشر** نیست. از حوریانی است شبیه بشر و از عرق و پر **جبرئیل** آفریده شده است.

گفتند: ای رسول خدا، درک این سخن برای ما دشوار است. نخست فرمودید: او حوری‌های است بشر مانند و آنگاه فرمودید از عرق و پر جبرئیل!

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: حال توضیح خواهم داد. زمانی پروردگار سیبی از **بهشت** به وسیله جبرئیل (علیه السلام) برایم **هدیه** فرستاد. هنگامی که جبرئیل آن را می‌آورد به سینهایش چسبانده بود و سیب همچون بدن جبرئیل عرق کرده بود. آن دو عرق به هم در آمیخت و ضمن حدیث طولانی آمده که جبرئیل برای پیامبر سیبی آورد و گفت: ای محمد، آن را بخور. گفت: ای دوست من جبرئیل، هدیه خدایم را بخورم؟ گفت: آری. چون به خوردن آن امر شد آن را خورد ولی با تعجب دید نوری از آن برخاست که وی را بسیار شگفت زده کرد.

جبرئیل گفت: ای رسول خدا، آن را فاطمه وجودی از **نور** است و انوار او تا ابد آفاق زندگی **بشریت** را روشن می‌سازد.

بخور که آن نور وجود «منصوره» است که در زمین فاطمه نامیده می‌شود. گفتم ای جبرئیل، منصوره کیست؟ گفت بانویی از صلب تو بیرون آید و اسمش در آسمان منصوره و در زمین فاطمه باشد!

[۹۳] بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۶، ص ۳۵-۳۶.

۲.۳.۲۳ - نوریه

نوریه

[۹۴] **ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۳.**

فاطمه وجودی از نور است و انوار او تا ابد آفاق بشریت را روشن می‌سازد.

سلام خدا و فرشتگان و همه پاکان بر او، روز ولادت و روز شهادتش و تا قیام **قیامت**.

۳ - فضائل حضرت زهرا

شیخ صدوق (رحمه الله) به سند معتبر روایت کرده است که چون حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) از سفری مراجعت می‌فرمود اول به خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) تشریف می‌بردند و مدتی می‌ماندند و بعد از آن به خانه زن خود می‌رفتند؛ پس در بعضی از سفرهای آن حضرت جناب فاطمه (علیها السلام) دو دست بند و گلوبند و گوشواره از **نقره** ساخت و

پرده بر در خانه آویخت، چون آن جناب مراجعت فرمود به خانه فاطمه (علیها السلام) تشریف برد و **اصحاب** بر در خانه توقف نمودند چون حضرت داخل خانه شد و آن حال را در خانه فاطمه مشاهده فرمود، غضبناک بیرون رفت و به **مسجد** درآمد و به نزد **منیر** نشست، حضرت فاطمه دانست که حضرت برای زینتها چنین به **غضب** آمدند، پس گردنبندها و دست

بندها و گوشواره‌ها را کند و پرده‌ها را گشوده و همه را به نزد آن جناب فرستاد و به آن شخص که آنها را می‌برد گفت به حضرت بگو که دخترت سلام می‌رساند و می‌گوید اینها را در راه خدا بده. چون آنها را به نزد آن حضرت آوردند سه مرتبه فرمود: کرد فاطمه آنچه را که می‌خواستم پدرش فدای او باد! **دنیا** از برای محمد و **آل محمد** نیست اگر دنیا در خوبی نزد خدا

برابر پشه ای بود خدا در دنیا کافران را شربتی **آب** نمی‌داد؛ پس برخاست و به خانه فاطمه علیها السلام داخل شد.

[۹۶] شیخ مفید، محمد بن نعمان، امالی، مجلس ۴۱، حدیث ۳۴۸، ص ۳۰۵.

شیخ مفید و شیخ طوسی از طریق عامه روایت کرده‌اند که حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود که فاطمه پاره تن من است هر که او را شاد گرداند مرا شاد گردانیده است و هر که او را آزرده کند مرا آزرده است، فاطمه (علیها السلام) عزیزترین مردم است نزد من.

[۹۷] **شیخ مفید، محمد بن نعمان، امالی، ص ۲۶۰.**

[۹۸] **شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، مجلس اول، حدیث ۳۰، ص ۲۴.**

شیخ طوسی از **عایشه** روایت کرده است که می‌گفت: ندیم احدی را که در گفتار و سخن شبیه‌تر باشد از فاطمه به رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) چون فاطمه به نزد آن حضرت می‌آمد او را مرحبا می‌گفت و دستهای او را می‌بوسید و در جای خود می‌نشاند، چون حضرت به خانه فاطمه می‌رفت برمی‌خواست و استقبال آن حضرت می‌کرد و مرحبا می‌گفت و دستهای آن حضرت را می‌بوسید.

[۹۹] **شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، مجلس ۱۴، حدیث ۸۹۲، ص ۴۰۰.**

در **«قرب‌الاسناد»** به سند معتبر از **امام محمد باقر (علیه‌السلام)** روایت کرده است که حضرت رسالت (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) مقرر فرمود که هر چه خدمت بیرون در باشد از آب و هیزم و امثال این‌ها حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به جا آورد و هر چه خدمت اندرون خانه باشد از آسیاکردن و **نیلن** و طعم‌پختن و جاروب‌کردن و امثال این‌ها با حضرت فاطمه (علیها‌السلام) باشد.

[۱۰۰] حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب‌الاسناد، حدیث ۱۷۰، ص ۵۲.

ابن بابویه به سند معتبر از **امام حسن (علیه‌السلام)** روایت کرده است که آن حضرت فرمود که در **شب جمعه** مادرم فاطمه (علیها‌السلام) در **محراب** خود ایستاده و مشغول بنگی حق تعالی گردید و پیوسته در **رکوع و سجود و قیام و دعا** بود و تا **صبح** طالع شد شنیدم که پیوسته دعا می‌کرد از برای مؤمنین و مؤمنات و ایشان را نام می‌برد و دعا برای ایشان بسیار می‌کرد و از برای خود دعائی نمی‌کرد، پس گفتم: ای ملار! چرا از برای خود دعا نکردی چنانکه از برای دیگران کردی؟ فرمود: «یا بُنْیَ! الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ؛ ای پسر جان من، اول همسایه را باید رسید و آخر خود را.»

[۱۰۱] **شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۱-۱۸۲.**

ثعلبی از حضرت صلیق (علیه‌السلام) روایت کرده است که روزی حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) به خانه فاطمه (علیها‌السلام) درآمد فاطمه را دید که جامه پوشیده از **جله‌های شتر** و به دستهای خود آسیب می‌گردانید و در آن حالت **فرزند خود را شیر** می‌داد، چون حضرت او را بر آن حالت مشاهده کرد آب از دیده‌های مبارکش روان شد و فرمود: ای دختر گرامی، تلخیهای دنیا را امروز بچش برای حلاوتهای **آخرت**. پس فاطمه (علیها‌السلام) گفت: یا رسول الله **حمد** می‌کنم خدا را بر نعمتهای او و **شکر** می‌کنم خدا را بر کرامتهای او؛ پس حق تعالی این آیه را فرستاد: «وَلَسَوْفَ يَعْطِيقُ رِجْلَكَ قَنْزُصَى؛

[۱۰۲] **ضحی/سوره ۹۳، آیه ۵.**

یعنی حق تعالی در قیامت آن قدر به تو خواهد داد که راضی شوی.»

[۱۰۳] **ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۲۰.**

[۱۰۴] **متقی‌هندی، علی بن حسام، کنز العمال، چاپ حیدرآباد، ج ۶، ص ۲۹۵.**

و از **حسن بصری** نقل شده که می‌گفت: حضرت فاطمه (علیها‌السلام) عابدترین **امت** بود و در **عبادت** حق تعالی آن قدر بر پا می‌ایستاد که پاهای مبارکش ورم می‌کرد.

[۱۰۵] **مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶.**

و از **«حلیه ابونعمیم»** روایت شده که حضرت فاطمه (علیها‌السلام) آن قدر آسیب گردانید که دستهای مبارکش **آبله** پیدا کرد و از اثر آسیب دستهای مبارکش پینه کرد.

[۱۰۶] **ابونعمیم، احمد بن عبدالله، حلیه الاولیاء، ج ۲، ص ۴۱.**

۴ - **حجب از دیدگاه حضرت زهرا**

وقتی پیغمبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) به او فرمود چه چیز بهتر است از برای **زن**؟ فاطمه (علیها‌السلام) گفت: آنکه نبیند مردی را و نبیند مردی او را؛ پس حضرت نور دیده خود را به سینه چسبانید و فرمود: «بَرِيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ»

[۱۰۷] **آل عمران/سوره ۲، آیه ۳۴.**

[۱۰۸] **مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۴.**

۴.۱ - **حجب حضرت زهرا**

سید فضل الله راوندی در **«نوادیر»** روایت کرده از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که شخص نابینائی اذن خواست از حضرت فاطمه (علیها‌السلام) که داخل خانه شود، فاطمه (علیها‌السلام) خود را از او مستور کرد، پیغمبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) به فاطمه علیه‌السلام فرمود: به چه سبب خود را مستور کردی و حال آنکه این مرد نابینا ترا نمی‌بیند؟ عرض کرد: اگر او مرا نمی‌بیند من او را می‌بینم، اگر در پرده نباشم استشمام رایحه می‌نماید. پس حضرت فرمود: شهادت می‌دهم که تو پاره تن من می‌باشی.

[۱۰۹] **راوندی، قطب‌الدین، نوادر، حدیث ۱۲۶، ص ۱۱۹.**

[۱۱۰] **راوندی، قطب‌الدین، نوادر، حدیث ۱۲۷، ص ۱۱۹.**

۵ - **حقیقت زن از نظر حضرت زهرا**

روزی حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) از اصحاب خود از حقیقت زن سوال فرمود، اصحاب گفتند که زن **عورت** است؛ فرمود در چه حالی زن به خدا نزدیکتر است؟ اصحاب جواب نتوانستند، چون فاطمه (علیها‌السلام) این مطلب را شنید عرض کرد که نزدیکترین حالات زن به خدا آن است که ملازم خانه خود باشد و بیرون از خانه نشود. حضرت فرمود: فاطمه پاره تن من است.

[۱۱۱] **راوندی، قطب‌الدین، نوادر، حدیث ۱۲۶، ص ۱۱۹.**

[۱۱۲] **راوندی، قطب‌الدین، نوادر، حدیث ۱۲۷، ص ۱۱۹.**

۶ - **ازواج حضرت زهرا**

وقتی آن حضرت به سن **ازواج** رسید، افراد زیادی از صحابه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) و بزرگان و سرشناسان مسلمان از ایشان خواستگاری کردند. از جمله این افراد **«ابوبکر»** و **«عمر»** بودند، لیکن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم) در جواب آنان فرمود: در مورد فاطمه منتظر **فرمان الهی** هستم. پس از آن، خویشاوندان **«علی (علیه‌السلام)»**

[۱۱۳] **ابن سعد، محمد بن عمر، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۶.**

و بنا بر نقل دیگری، ابوبکر و عمر از علی (علیه‌السلام) خواستند تا حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیهم) را از پیامبر خواستگاری کند.

[\[۱۱۴\] ابن سعد، محمد بن عمر، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، جلد اول، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۶.](#)

لذا علی (علیه السلام) شخصاً به حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) شرفیاب شد؛ ولی شرم و حیا مانع از سخن گفتن ایشان گردید. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پرسید: ابوالحسن چه می‌خواهی؟ و علی (علیه السلام) همچنان سلکت بود تا پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سه بار سؤال خود را تکرار نمود. سپس فرمود: گویا فاطمه (سلام الله علیهم) را می‌خواهی؟ علی (علیه السلام) جواب داد: آری.

[\[۱۱۵\] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز، ج ۱، ص ۳۴۸.](#)

و بنابراین نقل دیگری علی (علیه السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) عرض کرد، پدر و مادرم فدای تو باد. تو می‌دانی که مرا در کودکی از پدرم "ابوطالب" و مادرم "فاطمه بنت اسد" گرفتی و در سایه تربیت خود پرورش دادی و در این پرورش از پدر و مادر من مهر بن‌تر بودی و از سرگردانی و شک که پدران من دچار آن بودند، رها نمودی. تو در دنیا و آخرت تنها اندوخته من هستی. اکنون که خداوند مرا به وسیله تو نیرومند ساخته است، می‌خواهم به زندگی خود سامان بدهم و از نواج کنم. من برای خواستگاری فاطمه آمده‌ام. آیا قبول می‌کنی؟

با شنیدن این خبر چهره مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از شادمانی برافروخت و به روی علی (علیه السلام) خندید و فرمود: آیا چیزی داری که مهر به فاطمه قرار دهی؟ عرض کرد: حال من بر شما پوشیده نیست. جز شمشیر و شتر آبکش و زره چیزی ندارم. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: شمشیر را برای جهاد و شتر را برای آبدان به نخل‌های خرما و بارکشی در سفر می‌خواهی، همان زره را مهر قرار بده.

[\[۱۱۶\] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز، ج ۱، ص ۳۵۵.](#)

و بنابراین نقل دیگر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به علی (علیه السلام) فرمود: پیش از تو کسانی به خواستگاری او آمده‌اند، اما دخترم نپذیرفته است. سپس به خانه رفت و به دخترش فرمود: علی تو را از من خواستگاری کرده است، تو پیوند و سبقت او در اسلام را می‌دانی و از فضیلت او آگاهی. حضرت زهرا (سلام الله علیهم) بدون آن که صورت خود را برگرداند، خاموش ماند. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) چون آثار خشنودی را در چهره او دید، فرمود: الله اکبر، سکوتها، اقرارها، سکوت او نشانه رضایت او است.

[\[۱۱۷\] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز، ج ۱، ص ۳۵۵.](#)

به هر حال علی (علیه السلام) مهریه حضرت زهرا (سلام الله علیهم) را که مبلغ ۴۸۰ درهم بود

[\[۱۱۸\] ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، بتحقیق علی محمد البجاوی، بیروت دار الجلیل، جلد اول، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۹۴.](#)

و به قولی ۴۰۰ درهم و یا همان مهر السنه یعنی مبلغ ۵۰۰ درهم بود.

[\[۱۱۹\] ابن اثیر، عز الدین علی بن محمد، اسدالغایه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۲۲۲۱.](#)

و از طریق فروش زره آن حضرت تامین گردید، به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) داد. آن حضرت یک سوم آن را داد تا به وسیله آن عطر تهیه کنند و بقیه را بدون آن که بشمارد به ابوبکر داد تا با آن لوازم زندگی برای حضرت زهرا (سلام الله علیهم) تهیه کند. در مورد علت این امر پیامبر بارها به "سلمی" فرمود: «من فاطمه را به علی تزویج نکردم، بلکه خدا فاطمه را به علی تزویج نمود.»

[\[۱۲۰\] یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی چشم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۱.](#)

و نیز در فضیلت علی (علیه السلام) فرمود: «لولا لم یخلق علی (علیه السلام) ما کان لفاطمه کفو؛ اگر علی (علیه السلام) خلق نمی‌شد، برای فاطمه همسری پیدا نمی‌شد.»

[\[۱۲۱\] عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۲ هـ. ق، ج ۶، ص ۲۱۱.](#)

و نیز فرمودند: فاطمه جان: خداوند به رضای تو راضی و به خشم تو خشمگین می‌شود.

[\[۱۲۲\] ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه، تحقیق عادل عبدالحمود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب، جلد اول، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۶۵.](#)

و نیز "عایشه" از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل می‌کند که آن حضرت به فاطمه زهرا (سلام الله علیهم) فرمودند: ای فاطمه بشارت بر تو باد که همانا خداوند تو را بر همه زنان عالم و بر همه زنان اهل اسلام برگزیده است.

[\[۱۲۳\] ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، قم، انتشارات علامه، ج ۳، ص ۳۲۳.](#)

این ازدواج بر برکت طبع نقل مشهور در سال دوم هجرت در مدینه اتفاق افتاد.

[\[۱۲۴\] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکری، ریاض زرکلی، بیروت دار الفکر، ج ۱، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۰۲.](#)

۷ - شروع زندگی علی و فاطمه

زندگی مشترک آنها در سن ۹ سالگی حضرت فاطمه (سلام الله علیهم)

[\[۱۲۵\] عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۲ هـ. ق، ج ۴، ص ۲۷.](#)

و در کمال صفا و محبت آغاز گردید؛ به طوری که علی (علیه السلام) می‌فرمود: «به خدا قسم تا فاطمه (سلام الله علیهم) زنده بود او را به خشم نیاوردم و او نیز کاری نکرد که مرا به خشم آورد. هرگاه به او می‌نگر بیستم غم و اندوهم زایل می‌شد.»

[\[۱۲۶\] شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا \(سلام الله علیهم\)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴۶، ۱۳۸۶، ص ۳۳.](#)

۸ - اولاد حضرت زهرا

آن حضرت را چهار اولاد بوده امام حسن و امام حسین و زینب کبری و زینب صغری که مکنلت است به ام کلثوم (سلام الله علیها) اجمعین و فرزندی را حامله بوده که او را پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) حضرت محسن نامیده بود و بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) آن طفل را سقط فرمود.

شیخ صدوق گوید: در معنی حدیث نبوی که به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «رَأَى لَكَ كَنْزًا فِي الْجَنَّةِ وَ أَنْتَ دَوْقُهُ نَبِيهَا»، شنیدیم که از بعض مشایخ خود که می‌فرمود: این گنجی که پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده به امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در بهشت دارد، این همان (محسن) است که به واسطه فشار در خانه سقط شد.

۹ - حضرت زهرا در صحنه‌های مختلف

بعد از شروع زندگی مشترک حضرت زهرا (سلام الله علیهم) و علی (علیه السلام) جنگ احد آغاز گردید. در این جنگ به دلیل تمرد عده‌ای از مسلمین از انجام وظیفه، جنگ به نفع قریش به پایان رسید. حضرت زهرا (سلام الله علیهم) با خیر شد که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در جنگ زخمی شده؛ لذا با گروهی از زنان برخاسته و آب و غذا برمی‌دارند و به میدان جنگ می‌روند. فاطمه زهرا (سلام الله علیهم) جرأت پدر گرامی‌اش را شستوشو داد؛ ولی خون بند نیامد؛ لذا حصیری را سوزانده و خاکسترش را بر زخم آن حضرت گذاشت و خون قطع شد.

[۱۲۷۱](#) **واقی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مار سدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلی، جلد اول، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۵۰.**

همچنین آن حضرت هر دو یا سه روز، خود را به «**لحد**» رسانده و بر مزار شهدا می‌گریست و بر آنان دعا می‌کرد.

[۱۲۸۱](#) **واقی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مار سدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلی، جلد اول، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۱۳.**

فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) در زندگی مشترک بسیار با **قناعت** و **زهد** زندگی می‌کرد. او نه تنها در پوشاک و خوراک به حداقل قناعت می‌کرد و بر خود سخت می‌گرفت، بلکه کارهای خانه را نیز به عهده دیگری نمی‌گذاشت. از کشیدن آب تا تمییز کردن خانه، آسیاب کردن **ذرت** یا **گندم**، نگاهداری کودک و غیره را خود بر عهده می‌گرفت.

[۱۲۹۱](#) **شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۴۶، ۱۳۸۶، ص ۸۴.**

علی (علیه‌السلام) خود می‌فرماید: «روزی که با زهرا (سلام‌الله‌علیها) از وادج کردم، فرش ما پوست گوسفندی بود که شب بر آن می‌خوابیدیم و روز شتر آبکش خود را بر روی آن علف می‌دادیم و جز این شتر، خدمت‌گذاری نداشتیم.»

[۱۳۰۱](#) **ابن سعد، محمد بن عمر، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، جلد اول، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۸.**

او نه تنها در زهد و قناعت، بلکه در **تقوا** و پرهیزگاری، شوهرداری و تربیت فرزند نمونه کامل یک **انسان الهی** است.

۱۰ - داستان غم‌انگیز فک

پس از آنکه **یهود خیبر** در مقابل لشکر اسلام از در **تسلیم** درآمدند، مردم «دهکده **فک**» که یهودی بودند به نفع آنان، **اسلحه** خود را بر زمین گذاشته و تن به **مصلحه** دادند؛ به این صورت که نیمی از دهکده فک به **ملکیت** رسول‌خدا درآمد. از آنجا که مسلمانان در این امر مستقیماً نقشی نداشته و فک بدون خونریزی به دست آنها افتاده بود؛ لذا فک خاص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) گردید.

[۱۳۱۱](#) **یاقوت حموی، شهاب‌الدین، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، جلد دوم، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۲۳۸.**

و زمانی که **ایه**: «وأت ذی القربی حقه؛

[۱۳۲۱](#) **روم/سوره ۳۰، آیه ۳۸.**

حق خویشاوندان خویش را بپردازید.»

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) فک را به فاطمه (سلام‌الله‌علیها) داد و به او تملیک نمود. پس از **رحلت** رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) حکومت وقت به بهانه اینکه فک ملک شخصی پیامبر نبوده و نباید در دست فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) باشد، آن را از حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) گرفتند و به استدلال‌های منطقی و شواهد زنده آن حضرت توجیه نکردند. در حالی که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) در زمان حیات خویش فک را به ایشان داده بود و مال موروثی به حساب نمی‌آمد. عایشه می‌گوید: فاطمه (سلام‌الله‌علیها) پس از رحلت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) از ابوبکر خواست که فک را به او باز پس دهد، ابوبکر در جواب گفت: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) فرموده از ما **ارث** برده نمی‌شود و آنچه از ایشان باز مانده، **صدقه** است؛ لذا فاطمه (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) نیز از او خشمگین شد.

[۱۳۳۱](#) **ابن سعد، محمد بن عمر، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، جلد اول، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۳.**

۱۱ - دفاع از ولایت حضرت زهرا

پس از آن که گروهی از مردم در امر **خلافت** با ابوبکر **بیعت** کردند و به احتجاج‌ها و استدلال‌های خاص توجیهی نکردند، علی (علیه‌السلام) شبانه فاطمه (سلام‌الله‌علیها) را بر چهارپایی سوار نموده و بر مجالس «انصار» می‌رفت و از آنان در جهت اصلاح مسیر خلافت یاری می‌طلبید؛ ولی آنان در جواب می‌گفتند: «ای دختر رسول‌خدا، بیعت ما با این مرد (ابوبکر) به پایان رسیده و اگر همسر تو قبل از ابوبکر می‌آمد، ما با ابوبکر بیعت نمی‌کردیم.» علی (علیه‌السلام) در پاسخ آنان می‌فرمود: «آیا شما می‌خواستید من پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) را که رحلت کرده بود، رها می‌کردم و برای به دست آوردن خلافت به جنگ و ستیز می‌پرداختم.»

[۱۳۴۱](#) **ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰، ص ۲۸.**

وقتی ابوبکر متوجه شد که علی (علیه‌السلام) و افرادی که با او بیعت نکرده‌اند در خانه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) جمع شده‌اند، عمر به در خانه آن حضرت آمده و گفت: بیرون آید و با ابوبکر بیعت کنید؛ ولی آنان از اجابت خواسته او خودداری کردند. عمر قسم خورد که اگر بیرون نیایند، خانه را به آتش بکشند، به او گفتند: «ای ابا حفص! فاطمه در آن خانه است.» عمر گفت: «حتی اگر فاطمه باشد.» فاطمه (سلام‌الله‌علیها) جلوی در ایستاد و گفت: «هیچ مردی همچون شما دیدارشان برای من بد و نفرت‌انگیز نیست، **چنانچه** رسول‌خدا (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) را بر روی دست‌های ما گذاشتید و کار خلافت را میان خود قطعه قطعه کردید و در این خصوص نظر ما را جویا نشدید و حق را به ما باز نگرداندید.» بار دیگر عمر به همراهی گروهی به در خانه علی (علیه‌السلام) آمدند. حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) وقتی متوجه حضور آنان شد، با صدای بلند گفت: پدر، ای رسول‌خدا چه چیزهایی که پس از تو از «خطاب» و «ابوقحافه» ندیدیم. مردم وقتی صدای **گریه** او را شنیدند، برگشتند؛ ولی عمر و گروهی باقی ماندند و آنان را از خانه بیرون آورده و به نزد ابوبکر بردند. علی (علیه‌السلام) همچنان از بیعت خودداری می‌کرد و ابوبکر گفت: «تا زمانی که فاطمه در کنار اوست، او را مجبور بر این کار نمی‌کنم.»

سپس عمر به ابوبکر گفت: «بیا تا نزد فاطمه برویم. ما او را به خشم آورده‌ایم.» آن دو آمدند و از فاطمه اجازه داخل شدن خواستند؛ ولی فاطمه (سلام‌الله‌علیها) به آنها اجازه نداد. آن دو نزد علی (علیه‌السلام) آمدند و با او سخن گفتند: علی (علیه‌السلام) آنها را نزد فاطمه (سلام‌الله‌علیها) آورد، وقتی نشنستند آن حضرت صورتش را به سوی دیوار برگرداند. سلام کردند؛ ولی پاسخی نشنیدند.

[۱۳۵۱](#) **ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰، ص ۳۰.**

۱۲ - تسبیح حضرت زهرا

برکاتی که از آن حضرت به ما رسیده از جمله **تسبیح** معروف آن حضرت است که لحادیث در فضیلت آن بسیار است و کافی است آنکه هر که مداومت کند به آن، **شقی** و بد عاقبت نمی‌شود، و خواندن آن بعد از هر نمازی بهتر است. نزد حضرت صادق (علیه‌السلام) از هزار رکعت نمازگزاران در هر روزی،

[۱۳۶۱](#) **مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۳۳۲.**

و کیفیت آن علی‌الأشهر سی و چهار مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و سه مرتبه سبحان الله است که مجموع صد می‌شود.

۱۳ - شهادت حضرت زهرا

در روز **وفات** آن حضرت اختلاف بسیار است و اظهار آن است که وفات آن حضرت در سوم جمادی‌الآخر واقع شده چنانکه مختار جمعی از بزرگان علماء است و شواهدی است بر این مطلب. علامه مجلسی در **جلاء‌العیون** این قول را اصح و آشهر میان **علمای امامیه** دانسته است.

۱۳۷۱] مجلسی، محمدباقر، جلاء العیون، ص ۲۷۹.

رحلت پدر بزرگوار، مظلومیت همسر، از دست رفتن حق، فشارهای جسمی و روحی و مهمتر از همه دگرگونی‌هایی که در جامعه مسلمان به فاصله کوتاهی از زامن رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) صورت گرفت، روح و جسم فاطمه را سخت از زد. در حالی که تاریخ نشان می‌دهد، ایشان قبل از رحلت پدر بزرگوارش هیچ‌گونه بیماری جسمی نداشت.

۱۳۸۱] شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیهم)، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چ ۴۶، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵، ۲۴۶. او در اثر این مرارت‌ها و بیماری‌ها به **شهادت** رسید.

پس بقای آن حضرت بعد از پدر بزرگوار خود، نود و پنج روز بوده. واگرچه در روایت معتبر وارد شده است که مدت مکث مختره ۷۵ روز، پس از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) بود.

۱۳۹۱] ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰، ص ۳۱.

لکن می‌توان وجهی برای آن ذکر کرد به بیانی که مقام نکرش در اینجا نیست و لکن خوب است عمل شود به هر دو طریق در اقامه **مصیبت** و عزای آن حضرت چنانکه فعلاً معمول است. و برخی هم ۳ ماه و ۶ ماه

۱۴۰۱] **ابن سعد، محمد بن عمر، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، جلد اول، ۱۴۱۰، ص ۲۴.**

پس از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) و سن ایشان را ۲۹ سال

۱۴۱۱] **ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، اسدالغایة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۲۶.**

در روز سوم ماه **رمضان** سال ۱۱ هجری و ۱۸ سال در روز ۱۳ **ربیع‌الآخر** سال ۱۱ هجری می‌دانند.

۱۴۲۱] ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، قم، انتشارات علامه، ج ۳، ص ۳۵۷.

با ابن حسلب علی (علیه‌السلام) و حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیهم) حدود ۹ سال با هم **زندگی** کردند.

در «**کشف‌الغمه**» و غیر آن روایت کرده اند که چون وفات حضرت فاطمه (علیه‌السلام) نزدیک شد **اسماء بنت عمیس** را فرمود که آبی بیاور که من **وضو** بسازم، پس وضو ساخت و به روایتی **غسل** کرد نیکوترین غسل‌ها و بوی خوش طلبید و خود را خوشبو گردانید و جمله‌های نو طلبید و پوشید و فرمود که ای اسماء **جبرئیل** در وقت وفات پدرم چهل درم **کافور** آورد از بهشت، حضرت آن را سه قسمت کرد یک حصه برای خود گذاشت و یکی از برای من و یکی از برای علی (علیه‌السلام)، آن کافور را بیاور که مرا به آن **حنوط** کنند چون کافور را آورد فرمود که نزدیک سر من بگنار پس پای خود را به **قیله** کرد و خوابید و جمله بر روی خود کشید و فرمود که ای اسماء ساعتی صبر کن بعد از آن مرا بخوان اگر جواب نگویم علی (علیه‌السلام) را طلب کن، بدان که من به پدر خود ملحق گردیده‌ام، اسماء ساعتی انتظار کشید بعد از آن، آن حضرت را **ندا** کرد و صدائی نشنید، پس گفت: ای دختر مصطفی ای دختر بهترین فرزندان ام، ای دختر بهترین کسی که بر روی زمین راه رفته است، ای دختر آن کسی که در **شب معراج** به مرتبه «قلب قوسین او آنتی» رسیده است، چون جواب شنید جامه را از روی مبارکش برداشت دید که مرغ روحش به ریاض جنت پرواز کرده است پس بر روی آن حضرت افتاد آن حضرت را می‌بوسید و می‌گفت: چون به خدمت حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) برسی سلام اسماء بنت عمیس را به آن حضرت برسان، در این حال حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام تشریف آوردند. در روایت دیگر است که اسماء گریبان خود را چاک زد و از نزد فاطمه (علیه‌السلام) بیرون شد، حسین علیهما السلام او را ملاقت کردند فرمودند: ای اسماء، مادر ما کجا است؟ اسماء سکوت کرد، آن دویزگوار داخل بیت شدند و دیدند که مادرشان خوابیده است، جنب امام حسین (علیه‌السلام) نزدیک شد و حرکت داد آن حضرت را دید که از دنیا رفته است «فقال یا ایا آجر الله فی الؤالدة؛ گفت: ای برادر، خدا آجر دهد ترا در مصیبت و آله» پس امام حسن (علیه‌السلام) خود را روی مادر افکند.

۱۳.۱ - **دفن حضرت زهرا**

چون پاسی از **شب** گذشت و دیده‌ها به خواب رفت جنازه را بیرون آوردند حضرت امیرالمؤمنین و حسن و حسین علیهما السلام و **عمار** و **مقاد** و **عقیل** و **زبیر** و **ابوذر** و **سلمان** و **بریده** و گروهی از **بنی‌هاشم** و خواص آن حضرت بر حضرت فاطمه (علیه‌السلام) **نماز** کردند و در همان شب او را دفن کردند. حضرت امیر (علیه‌السلام) بر دور قبر آن حضرت هفت قبر دیگر ساخت که ندانند قبر آن حضرت کدام است. و به روایتی دیگر، چهل قبر دیگر را آب پاشید که قبر آن مظلومه در میان آنها مشتبه باشد، و به روایت دیگر قبر آن حضرت را با زمین هموار کرد که علامت قبر معلوم نباشد. اینها برای آن بود که عین موضع قبر آن حضرت را ندانند و بر قبر او نماز نکنند و خیال نباشد قبر آن حضرت را به خاطر نگذرانند و به این سبب در موضع قبر آن حضرت اختلاف واقع شده است. بعضی گفته‌اند که در **بقیع** است نزدیک قبور **انمه بقیع (علیهما السلام)** و بعضی گفته‌اند ما بین قبر حضرت رسالت (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) و منبر آن حضرت مدفون است؛ زیرا که حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) فرمودند: ما بین قبر من و منبر من باغی است از باغهای بهشت و منبر من بر دری است از درهای بهشت.

۱۴۳۱] **قتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲.**

و بعضی گفته‌اند که آن حضرت را در خانه خود دفن کردند و این اصح اقوال است چنانکه روایت صحیحه بر آن دلالت می‌کند.

۱۴۴۱] **کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، باب موالد الزهرا (علیهما السلام)، ج ۱، حدیث نهم، ص ۴۶۱.**

صاحب **منتهی الامال** گوید که من مصائبی که بر حضرت زهرا (علیه‌السلام) وارد شده در کتب مخصوصی ایراد کردم و آن را «**بیت الأخران فی مصائب سیده النسوان**» نامیدم. همچنین در کتب «**مفاتیح الجنان**» و «**هدیه‌الزائرین**» ثواب **زیارت** و اختلاف در قبر آن حضرت و کیفیت زیارت آن مظلومه را ذکر کرده‌ام.

۱۴۵۱] قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، باب سوم، فصل سوم.

۱۴ - **وصیت‌های حضرت زهرا**

شیخ طوسی و **کلینی** به سندهای معتبر از **حضرت امام زین‌العابدین** و امام حسین علیهما السلام روایت کرده اند که چون حضرت فاطمه (علیه‌السلام) **بیمار** شد **وصیت** نمود به حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) که کتمان کند بیماری او را و مردم را بر احوال او مطلع نگرداند و اعلام نکند احدی را به مرض او؛ پس حضرت به وصیت او عمل نموده خود متوجه بیمار داری او بود و اسماء بنت عمیس آن حضرت را در این امور معاونت می‌کرد و در این مدت احوال او را پنهان می‌داشتند از مردم، چون نزدیک وفات آن حضرت شد وصیت فرمود که حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) خود متوجه غسل و تکفین او شود و در شب او را دفن نماید و قبرش را هموار کند؛ پس حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) خود متوجه غسل و تکفین و امور او گردید و او را در شب دفن کرد و اثر قبر او را محو نمود و چون خاک قبر آن حضرت را با دست خود فشاند **جزن و آندوه** آن حضرت همچنان کرد آب دیده‌های مبارکش بر روی آنورش جاری شد و رو به قبر حضرت رسالت (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) گردانید و گفت: **السلام علیک یا رسول الله**.

۱۴۶۱] **شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، مجلس چهارم، حدیث ۱۶۶، ص ۱۰۹.**

۱۵ - **زیارت حضرت زهرا**

شیخ شهید اول (رحمه‌الله) در کتاب **المزار الدروس الشرعیة** گوید که **مستحب** است زیارت حضرت فاطمه دختر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌الوسلم) و زوجه امیرالمؤمنین و مادر حسن و حسین علیهما السلام.

و روایت شده که آن مختره فرمود خبر داد مرا پدر بزرگوارم که هر که بر او و بر من سه روز **سلام** کند حق تعالی بهشت را بر او **واجب** گرداند. گفتند به حضرت فاطمه (علیه‌السلام) که آیا در **حیات** شما؟ فرمود بلی، و همچنین است بعد از مملت ما. و هرگاه زائر خواست آن حضرت را زیارت کند در سه موضع زیارت کند: در خانه آن حضرت و در **روضه** و در **بقیع**. ولادت آن حضرت واقع شد پنج سال بعد از **مبعث**، و به **رحمت** خدا واصل شد بعد از پدر بزرگوار خود قریب به صد روز.

علامہ مجلسی گوید: **سید بن طاوس (علیہ السلام)** روایت کرده است که هر که آن حضرت را زیارت کند به این زیارت که بگوید: **السَّلَامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَةَ نَسَاءِ الْعَالَمِیْنَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یا** والدَةُ الْخُجَّجِ عَلَی النَّاسِ الْجَمِیْعِیْنَ، السَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْمَطْلُوْمَةُ الْمَمْنُوْعَةُ حَقُّهُ. پس بگوید: **اللَّهِمَّ صَلِّ عَلَیْ اُمَّتِکَ وَاِبْنَةِ نَبِیِّکَ وَرُوْجَةِ وَصِیِّ نَبِیِّکَ صَلْوَةً تَرْلُفُهَا فَوْقَ رُفَى عِبَادِکَ الْمُرْکَمِیْنَ مِنْ اَهْلِ السَّمَوَاتِ وَاَهْلِ الْاَرْضِیْنَ.** پس طلب آموزش کند از خدا، حق تعالی گناهان او را ببیمرزد و او را داخل بهشت کند. و این زیارت مختصر معتبری است و همه وقت می توان انجام داد.

۱. ↑ ابن سعد، محمد بن عمر، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۶.
۲. ↑ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه، تحقیق عادل احمد الموجود و علی محمد معوض، بیروت دار الکتب، ج ۱، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۶۳.
۳. ↑ امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.ق، ج ۱، ص ۳۰۲.
۴. ↑ شیخ طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهدّد شیخ طوسی، بیروت، اعلمی، ص ۵۵۱.
۵. ↑ بقره/سور ۲، آیه ۳۱.
۶. ↑ مریم/سور ۱۹، آیه ۵-۷.
۷. ↑ مریم/سور ۱۹، آیه ۵-۷.
۸. ↑ شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، باب التسعة، حدیث سوم، ج ۱، ص ۴۱۴.
۹. ↑ مجلسی، محمّدباقر، جلاء العیون، چاپ سرور، قم، ص ۱۶۲.
۱۰. ↑ مجلسی، محمّدباقر، جلاء العیون، چاپ سرور، قم، ص ۱۶۵.
۱۱. ↑ فیروز آبادی، سید رضا، فضائل پنج تن، ج ۴، ص ۹.
۱۲. ↑ معانی الاخبار شیخ صدوق، ص ۶۴.
۱۳. ↑ روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۴۹.
۱۴. ↑ شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا (سلام الله علیهم)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۴۶، ۱۳۸۶، ص ۳۳.
۱۵. ↑ دهنخدا، علی اکبر، لغت نامه دهنخدا، معنای کلمه زهرا.
۱۶. ↑ صدوق، محمد بن علی، امالی صدوق، ص ۶۸۸.
۱۷. ↑ صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۸، ج ۳.
۱۸. ↑ صدوق، محمد بن علی، خصال، ص ۴۱۴.
۱۹. ↑ طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، ص ۷۹-۸۰.
۲۰. ↑ مجلسی، سید محمّدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۰، ج ۱.
۲۱. ↑ مجلسی، سید محمّدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
۲۲. ↑ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳۳۳.
۲۳. ↑ خوارزمی، موفق بن احمد، مناقب خوارزمی، ص ۳۲۸.
۲۴. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۲.
۲۵. ↑ مجلسی، سید محمّدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
۲۶. ↑ ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه، ج ۶، ص ۲۲۰.
۲۷. ↑ بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۶، ص ۳۷.
۲۸. ↑ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۸۸.
۲۹. ↑ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۲.
۳۰. ↑ رسولی محلاتی، سید هاشم، زندگانی حضرت فاطمه زهرا، ص ۱۴ و ۱.
۳۱. ↑ مجلسی، سید محمّدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
۳۲. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۲.
۳۳. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۲.
۳۴. ↑ مجلسی، سید محمّدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
۳۵. ↑ صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، ص ۶۴.
۳۶. ↑ سلیمان بن ابراهیم، قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۲۲.
۳۷. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۱۰.
۳۸. ↑ مجلسی، سید محمّدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
۳۹. ↑ صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ص ۱۸۱.
۴۰. ↑ مجلسی، سید محمّدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷.
۴۱. ↑ مجلسی، سید محمّدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
۴۲. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۳.
۴۳. ↑ بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ۶، ص ۲۴.
۴۴. ↑ فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ص ۷۶.
۴۵. ↑ مجلسی، سید محمّدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸.
۴۶. ↑ مجلسی، سید محمّدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶.
۴۷. ↑ فجر/سور ۸۹، آیه ۲۷-۲۸.

٤٨. ↑ مریم/سور ١٩، آیه ١٩.
٤٩. ↑ كهف/سور ١٨، آیه ٧٥.
٥٠. ↑ شمس/سور ٩١، آیه ١٠.
٥١. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٣، ص ١٧.
٥٢. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ٣، ص ١٣٣.
٥٣. ↑ صدوق، محمد بن علی، امالی صدوق، ص ٥٧٥.
٥٤. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٣، ص ٢٢.
٥٥. ↑ صدوق، محمد بن علی، امالی صدوق، ص ٥٧٥.
٥٦. ↑ بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ٦، ص ٤٦.
٥٧. ↑ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب.
٥٨. ↑ زبیدی، مرتضی، تاج العروس.
٥٩. ↑ نساء/سور ٤، آیه ٦٨.
٦٠. ↑ حاکم نیشابوری، احمد، مستدرک حاکم، ج ٣، ص ١٧٤.
٦١. ↑ احمد بن عبدالله، ابونعیم، حلیة الاولیاء، ج ٢، ص ٤١.
٦٢. ↑ احزاب/سور ٣٣، آیه ٣٣.
٦٣. ↑ خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ج ١٠.
٦٤. ↑ زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر کشاف، ج ١، ص ١٩٣.
٦٥. ↑ ابن اثیر، علی بن محمد، اسدالغایة، ج ٢، ص ١٢.
٦٦. ↑ سبط ابن جوزی، یوسف، تذکرة الائمة، ص ٢٤٤.
٦٧. ↑ سیوطی، جلال الدین، در المنثور، ج ٥، ص ١٩٨.
٦٨. ↑ سیوطی، جلال الدین، خصائص الکبری، ج ٢، ص ٢٦٤.
٦٩. ↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ١.
٧٠. ↑ احزاب/سور ٣٣، آیه ٣٣.
٧١. ↑ قزوینی، محمدکاظم، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت (ترجمه)، ص ١٢.
٧٢. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٣، ص ١٣.
٧٣. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٣، ص ١٣.
٧٤. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٣، ص ١٨-١٩.
٧٥. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٣، ص ١٨.
٧٦. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٣، ص ١٨-١٩.
٧٧. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٣، ص ١٦.
٧٨. ↑ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ١٤.
٧٩. ↑ کوثر/سور ١٠٨، آیه ١.
٨٠. ↑ طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ١٠، ص ٤٦٠.
٨١. ↑ قزوینی، محمدکاظم، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت (ترجمه)، ص ٧٥-٨.
٨٢. ↑ آل عمران/سور ٣، آیه ٤٢.
٨٣. ↑ آل عمران/سور ٣، آیه ٤٢-٤٣.
٨٤. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٢٦، ص ٤١.
٨٥. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٢٦، ص ٣٩.
٨٦. ↑ قزوینی، محمدکاظم، فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت (ترجمه)، ص ١١.
٨٧. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٣، ص ١٦.
٨٨. ↑ احزاب/سور ٣٣، آیه ٥٧.
٨٩. ↑ بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ٦، ص ٥٢.
٩٠. ↑ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ج ٢، ص ٩٥.
٩١. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٣، ص ٥٣.
٩٢. ↑ مجلسی، سیدمحمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٣، ص ١٦.
٩٣. ↑ بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ٦، ص ٤٤-٥١.
٩٤. ↑ بحرانی اصفهانی، عبدالله، عوالم العلوم، ج ٦، ص ٣٥-٣٦.
٩٥. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ٣، ص ١٣٣.
٩٦. ↑ شیخ مفید، محمد بن نعمان، امالی، مجلس ٤١، حدیث ٣٤٨، ص ٣٠٥.
٩٧. ↑ شیخ مفید، محمد بن نعمان، امالی، ص ٢٦٠.
٩٨. ↑ شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، مجلس اول، حدیث ٣٠، ص ٢٤.
٩٩. ↑ شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، مجلس ١٤، حدیث ٨٩٢، ص ٤٠٠.
١٠٠. ↑ حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، حدیث ١٧٠، ص ٥٢.
١٠١. ↑ شیخ صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ج ١، ص ١٨١-١٨٢.
١٠٢. ↑ ضحی/سور ٩٣، آیه ٥.
١٠٣. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ٣، ص ١٢٠.
١٠٤. ↑ متقی هندی، علی بن حسام، کنز العمال، چاپ حیدرآباد، ج ٦، ص ٢٩٥.

۱۰۵. ↑ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶.
۱۰۶. ↑ ابونعیم، احمد بن عبدالله، حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۴۱.
۱۰۷. ↑ آل عمران/سور ۳، آیه ۳۴.
۱۰۸. ↑ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۴.
۱۰۹. ↑ راوندی، قطب‌الدین، نوادر، حدیث ۱۲۶، ص ۱۱۹.
۱۱۰. ↑ راوندی، قطب‌الدین، نوادر، حدیث ۱۲۷، ص ۱۱۹.
۱۱۱. ↑ راوندی، قطب‌الدین، نوادر، حدیث ۱۲۶، ص ۱۱۹.
۱۱۲. ↑ راوندی، قطب‌الدین، نوادر، حدیث ۱۲۷، ص ۱۱۹.
۱۱۳. ↑ ابن سعد، محمد بن عمر، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، جلد اول، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۶.
۱۱۴. ↑ ابن سعد، محمد بن عمر، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، جلد اول، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۶.
۱۱۵. ↑ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز، ج ۱، ص ۳۴۸.
۱۱۶. ↑ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز، ج ۱، ص ۳۵۵.
۱۱۷. ↑ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز، ج ۱، ص ۳۵۵.
۱۱۸. ↑ ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، بتحقیق علی محمد الجاوی، بیروت دار الجیل، جلد اول، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۹۴.
۱۱۹. ↑ ابن اثیر، عز الدین علی بن محمد، اسدالغابة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۲۲۲۱.
۱۲۰. ↑ یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی جلد ششم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۱.
۱۲۱. ↑ علملی، جعفر مرتضی، الصحیح، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۲ هـ.ق، ج ۶، ص ۲۲۱.
۱۲۲. ↑ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة، تحقیق عادل عبدالحمود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب، جلد اول، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۶۵.
۱۲۳. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، قم، انتشارات علامه، ج ۳، ص ۳۲۳.
۱۲۴. ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار، ریاض زرکلی، بیروت دار الفکر، ج ۱، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۰۲.
۱۲۵. ↑ علملی، جعفر مرتضی، الصحیح، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۲ هـ.ق، ج ۴، ص ۲۷.
۱۲۶. ↑ شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیهم)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴۶، ۱۳۸۶، ص ۳۳.
۱۲۷. ↑ واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مار سدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلی، جلد اول، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۵۰.
۱۲۸. ↑ واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مار سدن جونس، بیروت، مؤسسه الاعلی، جلد اول، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۱۳.
۱۲۹. ↑ شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیهم)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴۶، ۱۳۸۶، ص ۸۴.
۱۳۰. ↑ ابن سعد، محمد بن عمر، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، جلد اول، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۸.
۱۳۱. ↑ یاقوت حموی، شهاب‌الدین، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، جلد دوم، ۱۹۹۵، ج ۴، ص ۲۳۸.
۱۳۲. ↑ روم/سور ۳۰، آیه ۳۸.
۱۳۳. ↑ ابن سعد، محمد بن عمر، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، جلد اول، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۳.
۱۳۴. ↑ ابن قتیبہ دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰، ص ۲۸.
۱۳۵. ↑ ابن قتیبہ دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰، ص ۳۰.
۱۳۶. ↑ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۳۳۲.
۱۳۷. ↑ مجلسی، محمد باقر، جلاء العیون، ص ۲۷۹.
۱۳۸. ↑ شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیهم)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴۶، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵-۲۴۶.
۱۳۹. ↑ ابن قتیبہ دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة و السياسة، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰، ص ۳۱.
۱۴۰. ↑ ابن سعد، محمد بن عمر، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، جلد اول، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۴.
۱۴۱. ↑ ابن اثیر، عز الدین علی بن محمد، اسدالغابة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۲۶.
۱۴۲. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، قم، انتشارات علامه، ج ۳، ص ۳۵۷.
۱۴۳. ↑ قتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲.
۱۴۴. ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، باب مولد الزهرا (علیها‌السلام)، ج ۱، حدیث نهم، ص ۴۶۱.
۱۴۵. ↑ قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، باب سوم، فصل سوم.
۱۴۶. ↑ شیخ طوسی، محمد بن حسن، امالی، مجلس چهارم، حدیث ۱۶۶، ص ۱۰۹.
۱۴۷. ↑ شهید اول، محمد بن مکی، الدرر الشریعة، ج ۲، ص ۶.
۱۴۸. ↑ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۹۸-۱۹۹.

۱۷ - منبع

منتهی الآمال شیخ عباس قمی.

سایت بزرگ و هه، برگرفته از مقاله «حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۵/۹/۹.

سایت اطلاع رسانی حوزه، برگرفته از مقاله «فرهنگ القلب فاطمه (سلام‌الله‌علیها)»، تاریخ بازبینی، ۱۳۹۵/۱۱/۲۳.